

دیدگاه حقوقی نسبت به ازدواج سفید در ایران

میثم موسی زاده

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، ایران

meysammosazadeh@gmail.com

محسن باقری توانی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، ایران

bagheri.tavani1@gmail.com

عادل نحوی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، ایران

Adel.nahvi@gmail.com

چکیده

ازدواج سفید با الگویی غربی که ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی قرن ۲۰ میلادی شکل گرفت و دگرگونی نهاد و بنیان خانواده و به عقیده برخی نظریه پردازان غربی فروپاشی این بنیان، به عنوان پیامد مدرنیته در غرب طی دهه‌های اخیر کانون توجه بسیاری از نظریه پردازان قرار گرفته است. ورود و گسترش رسانه‌های ارتباطی مانند ماهواره و اینترنت در ایران همانند کشورهای غربی سبک زندگی متفاوتی را به وجود آورد و ارزش‌های گوناگونی را شکل داد. در این میان، با بحرانی شدن مسائل اقتصادی، افزایش سن ازدواج، و همچنین ورود ارزش‌های جهانی از طریق ابزارهای جدید ارتباطی، به تدریج، رفتارهای جدیدی نیز در میان جوانان ایرانی شکل گرفته که از مهم‌ترین آنها، گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج است یکی از افراطی‌ترین شکل‌های روابط پیش از ازدواج پیدایش الگوهای ازدواج‌های سفید است؛ الگویی از رابطه که ریشه در فرهنگ غربی دارد. این روابط به دلیل نداشتن مشروعیت دینی و فقهی و حقوقی و اجتماعی که در حال توسعه هستند در کشور ما مورد قبول نیست به این جهت که در آنجا با گسترده‌تر شدن این شکل از روابط، چالش‌های آن هم تا حدودی حل شده است و از لحاظ حقوقی مشکل خاصی ندارند که بر اساس روند تحولات داخلی این جوامع بوده است.

کلمات کلیدی: ازدواج سفید؛ نظام حقوقی، ایران، کشورهای غربی



مقدمه

در جوامع غربی و توسعه یافته دگرگونی‌های اجتماعی اقتصادی و فرایند مدرن سازی به ویژه در محیط‌های شهری و گسترش فرهنگ مدرن، در میان لایه‌های مختلف جامعه، ساختار خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. شاید اولین اثرات مدرنیته بر نهاد خانواده در ایران تغییر ساختار گسترده آن به خانواده هسته‌ای بوده است، اما این ساختار جدید نیز، به تدریج، متناسب با الزامات و مقتضیات جامعه مدرن، دچار تحولاتی شده است که وضعیت آن را از شرایط چند دهه گذشته به کلی متمایز ساخته است. وضعیت جدید به سست شدن پیوندهای خانوادگی، روابط عاری از قدرت در درون خانواده، کاهش پایداری خانواده، کم توان شدن هنجارهای خانوادگی در کنترل و سامان بخشی به رفتارها و روابط اعضای خانواده، تضعیف روابط عاطفی میان اعضای خانواده، درهم ریختن نظام سنتی، تقسیم نقش‌ها بدون جایگزینی و مقبولیت یافتن نظامی نوین و کارآمد، و بروز بسیاری عوارض و پدیده‌هایی منجر شده است که رصد نمودن دائمی آثار و آسیب‌های احتمالی ناشی از این تحولات را گریزناپذیر می‌نمایاند (سرایی، ۱۳۸۸: ۱۲) و با توجه به این شرایط ازدواج سفید فرایند این پروسه تغییر در درون جوامع می باشد که در کشور ما هم به نوعی ناشی از تحولات اقتصادی و اجتماعی می باشد. در این نوع ازدواج در غرب فردی که خارج از قرارداد ازدواج والدینش به دنیا می‌آید از همه حقوق اجتماعی مثل دیگران برخوردار می‌شود. حتی برای بچه‌های زوج‌های همجنسگرا هم این حقوق یکسان است و هیچ تفاوتی وجود ندارد، هر چند باید گفت قوانین حقوقی همیشه هم به نفع این بچه‌ها نیستند. در حالیکه وقتی به ایران نگاه می‌کنیم می‌بینیم که همان بچه‌هایی که در چارچوب قانون هم به دنیا می‌آیند از حقوق اولیه شان محروم هستند و در چنین شرایطی فردی که فراتر از قانون جاری عمل می‌کند و با ازدواج سفید یک زندگی مشترک غیر رسمی را شروع می‌کند طبیعتاً تبعات گریزناپذیر و تلخی هم در انتظارش است. به جز اینکه بعد از اطلاع دستگاه قانونی دینی و جامعه سنتی، مجازات خواهد شد حتی اگر بچه‌ای هم به دنیا بیآورد و چه خواسته و چه ناخواسته نطفه‌ای تشکیل شود، دچار دردسرهای فراوان خواهد شد. این الگو، به زندگی مشترک دو شریک جنسی بدون ازدواج با یک دیگر اشاره دارد در این نوع ازدواج پیوندی به مدت زمان نامعلوم بین دو فرد برقرار می‌شود که فاقد مشروعیت اجتماعی و حقوقی است. هدف این پژوهش که به شیوه توصیفی و تحلیلی انجام شده، پاسخ به این سؤال بوده است که ازدواج سفید در نظام حقوقی غرب و ایران دارای چه روندی بوده است یا به عبارتی جایگاه ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب شامل چه مسائلی می باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران عدم ثبت از لحاظ قانونی و غیر شرعی بودن این شیوه ازدواج با توجه به قانون مجازات اسلامی و حقوق خانواده می باشد. پس در نظام حقوقی ایران ازدواج سفید پیوندی به مدت زمان نامعلوم بین دو فرد برقرار کرده که فاقد مشروعیت اجتماعی و حقوقی است. ازدواج سفید یا خانواده سفید پدیده‌ای که دختر و پسر به عنوان هم‌خانه با یکدیگر زندگی میکنند، بی آنکه میان آنها پیوند زن و شوهری باشد. در ازدواج سفید، پایبندی به شریک زندگی، جنبه عاطفی دارد؛ نه قانونی. ولی در نظام حقوقی غرب چون هم سطح با تحولات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه رشد کرده بر ای همین از لحاظ حقوقی بچه‌ای هم که از این رابطه بدنیا می‌آید دارای حقوق و امتیازات اجتماعی برخلاف این پدیده در ایران می باشد.

مفهوم ازدواج سفید

عبارت ازدواج سفید ترکیبی از کلمه ی «ازدواج» و «سفید» است که تجزیه آن زیباست و برای کسی که معنی ترکیبش را نداند، جذاب است و یک ازدواج ساده، صمیمی و زیبا را به ذهن می‌آورد و مخاطب ناآگاه با خواندن عناوین پیرامون آن دچار تناقض می

شود اما در واقع الفاظ و مفهوم آن دلالت بر زندگی مشترک بدون ازدواج دارد که تعهد و استحکامی در آن نیست و دو طرف خود را در برابر هم پایبند و مسوول نمی دانند و سواستفاده در آن زیاد است.

ریشه ی عبارت سازی «ازدواج سفید» نوعی حرمت زدایی از جامعه و عادی کردن نوعی رابطه ی نامتناسب با فرهنگ دینی ایرانی است که برای دور کردن افراد جامعه از سبک زندگی اسلامی ایرانی تلاش می کند و مشروعیت اجتماعی و حقوقی ندارد. زندگی دختر و پسر زیر یک سقف بدون عقد نکاح ممکن است با اهدافی مانند برآوردن نیازهای عاطفی و روانی یا جنسی باشد ولی نمی توان آن را ازدواج نامید. (ارامکی و دیگران، ۱۳۹۱). برخی معتقدند زندگی به صورت هم باشی مانند صیغه ی طولانی مدت است و لازم نیست در برابر آن نگرانی وجود داشته باشد. این دیدگاه قابل دفاع نیست، زیرا ازدواج یک عقد است و نیاز به دو اراده و دو قصد برای تحقق آن دارد. چیزی که از آن به زندگی مشترک زن و مرد به همراه روابط جنسی بدون ازدواج یاد می شود در فرهنگ آکسفورد "cohabitation" یعنی "همباشی" آمده است، یعنی حتی فرهنگ غرب نیز این رابطه را ازدواج نمی داند و "همباشی" تعریف می کند. همچنین واژه "White wedding" به ازدواجی رسمی در کلیسا که در آن عروس لباس سفید می پوشد گفته می شود.

تاریخچه ازدواج سفید در ایران و غرب

نخستین بار، در سال ۱۳۹۱ مرتضی طلایی، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران از شکل گیری خانه‌هایی در «شمال و جنوب شهر تهران» خبر داد که در آن‌ها دختران و پسران بدون ازدواج رسمی با یکدیگر زندگی می‌کنند. به اعتقاد او، برخورد قهری با این موضوع، راه به جایی نخواهد برد. اما باید به آن به صورت یک آسیب اجتماعی نگریست. (پورفرهادی، ۱۳۹۳: ۵۴)

در سال های جاری، بار دیگر این موضوع در روزنامه‌ها و رسانه‌ها مطرح شد و منابع از افزایش ازدواج سفید خبر می‌دادند. این در حالی است که به دلایل سنتی و مذهبی، هنوز پژوهشی رسمی و جدی در مورد این ازدواج صورت نگرفته است تا بتوان آمار دقیقی از میزان این نوع ازدواج و نکات نهفته آن کسب کرد. علاوه بر این، افرادی که این نوع ازدواج را انتخاب می‌کنند، همگی یک طبقه اجتماعی و سنی خاص را تشکیل نمی‌دهند. این نوع ازدواج، هم در میان جوانان و هم میانسالان (حتی بدون آگاهی خانواده‌ها) صورت می‌گیرد. به همین دلایل، ریشه‌یابی ازدواج سفید، چندان راحت نیست. بسیاری از منابع و افراد دلایل اقتصادی را عامل این اتفاق می‌دانند. اما نمی‌توان همه سهم را به عوامل اقتصادی داد. (ارامکی و دیگران، ۱۳۹۱)

چیستی و چرایی ازدواج سفید

زندگی زناشویی بدون ازدواج رسمی یا زندگی مشترک بدون ازدواج که از دید برخی دیگر "ازدواج سفید" نام گرفته، هر چند در دنیا پدیده جدیدی نیست و ریشه شکل گیری این پدیده در نظام فرهنگی غرب می باشد. اما در ایران مسئله ای جدید و یک شوک فرهنگی است. ازدواج سفید نوعی ازدواج است که در نهادهای دولتی مربوطه و یا سازمان های دینی ثبت نمی شود. در این نوع ازدواج زن و مرد با هم زندگی می کنند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است ولی از نظر قانون زن و شوهر رسمی محسوب نمی شوند. بر اساس تعریف، زندگی زناشویی بدون ازدواج موقعی که دو فرد مجرد از دو جنس متفاوت قبل از ازدواج با هم زندگی می کنند، اتفاق می افتد. این برای افرادی که، به تعهد اجتماعی و شخصی که ازدواج لازم دارد تمایل ندارند، یک مسیر

میان بر است؛ حداقل برای مدتی. اندیشمندان اجتماعی برای این نوع زندگی که در ایران رواج دارد دلایل مختلفی را برشمرده اند:

۱- مشکلات مالی

۲- محک زدن رابطه

۳- آشنایی بیشتر

۴- عدم اعتقاد به ازدواج از مهمترین این دلایل اند.

همچنین سست شدن اعتقادات مذهبی لاقول در بخشی از جامعه و عدم پذیرش مسئولیت توسط نسل جدید، از دیگر دلایل این نوع ازدواج است. تجرد قطعی بخشی از جوانان -بخصوص دختران- و همچنین افزایش مردان تنها و زنان بیوه که ناشی از افزایش طلاق در جامعه است باعث تشدید این مسئله می شود. در کنار مشکلات داخلی که این مسئله را موجب می شوند، الگوبرداری از ماهواره و رسانه های بیگانه بویژه این مسئله را تشدید می کنند و قبح آن را از بین می برند. (ارامکی و دیگران ، همان)
دلیل گسترش این سبک از زندگی را می توان از دیدی دیگر نیز تحلیل کرد؛ وقتی جامعه ای مدرن می شود فقط شهرها، روستاها، کارخانه ها و مدارس را تغییر نمی دهد بلکه موجب تغییر در روابط اجتماعی هم می شود. وقتی زنان تحصیل می کنند و استقلال اقتصادی پیدا می کنند دیگر حاضر نیستند قوانین مرد سالارانه را بی چون و چرا بپذیرند.

ازدواج سفید در نظام حقوقی غرب

در چند دهه اخیر، نهاد " خانواده " در جهان تحولات گسترده ای داشته است ؛ تحولاتی که ریشه های آن را باید در " انقلاب جنسی " ^۱ اواخر دهه ۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی و آمریکایی جست و جو کرد (Levi Martin, 1996; Carr, 2011). انقلابی که به تدریج به تغییر گفتمان جنسی و تغییر اساسی در نگرش ها، اخلاق، و رفتار جنسی در بسیاری از کشورهای غربی منجر شد. یکی از مهم ترین نتایج انقلاب جنسی در غرب، گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج ^۲ در این کشورها بوده است روابطی که، به تدریج، نقاط دیگر جهان را نیز فراگرفت. (Regnerus and Uecker, 2011)

این انقلاب، با اسطوره زدایی از رابطه جنسی، آن را به امری عادی و معمولی تبدیل کرد که به راحتی در " قبل از ازدواج " دست یافتنی است. در این دوره، ارضای " نیاز جنسی " از اتکا به ازدواج جدا شد، اما گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج زمینه را برای تغییرات تعیین کننده بعدی مهیا کرد و در این میان، نه تنها به تدریج سن ازدواج را افزایش داد که زمینه های اجتماعی لازم را برای پیدایش الگوهایی چون ازدواج سفید فراهم کرد. تغییرات اجتماعی در این دوره جنبه رادیکال تری به خود گرفت. در اوایل انقلاب جنسی ، هر چند به تدریج سن ازدواج در اروپا و امریکا افزایش یافته بود ، با این حال ، بسیاری از افراد همچنان ازدواج می کردند؛ منتها با اندکی تأخیر، اما این همه راه نبود و انقلاب جنسی ، با گسترش الگوهای ازدواج سفید ، ضربه های سخت تری را این بار نه صرفاً به اسطوره روابط جنسی، بلکه به خود ازدواج وارد کرد. پیدایش الگوهایی از رابطه با جنس مخالف که آن را از سطح مناسبات جنسی پیش از ازدواج نه تنها به سطح عاطفی، بلکه به زندگی مشترک بدون ازدواج میان آن ها ارتقا داد؛ الگویی از رابطه که روزه روز بر طرف داران آن افزوده می شود. در این میان، جدا از مسائل اقتصادی، تغییرات ارزشی نیز در شکل گیری

^۱ - (sexual revolution)

^۲ - (premarital sex)



این روابط نقش داشته اند. یکی از علل گسترش ازدواج سفید، تضعیف بنیان های فلسفی ازدواج در کشورهای غربی بوده است. امروزه، در نظر جوانان این کشورها، دو مفهوم "تعهد به زندگی با یک دیگر"³ و "تعهد به ازدواج"⁴ تفاوت کمی با هم دارند. در حالی که در دهه 1960، در همه کشورها، ازدواج سفید امری بسیار نادر و کم یاب بود (Blossfeld and Timm, 2003). امروزه در سراسر اروپا و آمریکا، به خصوص در میان، نسل های جوان تر، به طور چشم گیری در حال پذیرش و افزایش است به طور مثال در آمریکا، در دهه 1970، نزدیک به 400 هزار زوج در قالب الگوهای ازدواج سفید زندگی می کردند، اما این آمار در دهه 1980 به 1 میلیون و 500 هزار زوج رسید در اواخر دهه 1990، از مرز 4 میلیون گذشت این در حالی است که بر طبق آمارهای سال 2010، بیش از 7 میلیون زوج (14 میلیون نفر) در آمریکا در قالب ازدواج سفید با یک دیگر زندگی می کنند. همچنین نتایج تحقیقات نشان می دهد بیش از نیمی از زنانی که در آمریکا ازدواج کرده اند، پیش از آن، رابطه ازدواج سفید را با همسر فعلی خود تجربه کرده بودند (Goodwin et al, 2010).

این تغییرات گویای آن است که، در چند دهه اخیر، واقعه ای مهم در این جوامع روی داده است. تحولات اقتصادی و تغییرات اجتماعی در پی آن، بسیاری از معادلات را برهم زده است. با گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج، در کشورهای متعدد جهان، به تدریج "سن ازدواج"⁵ در این کشورها افزایش یافت؛ اما، با گسترش ازدواج سفید "تعداد ازدواج ها"، نیز کاهش چشم گیری یافت؛ چرا که ازدواج سفید، به شکل رقیب جدی، در مقابل ازدواج قد علم کرده بود (Pla and Beaumel, 2010).

امروزه، ازدواج در حال تضعیف و ازدواج سفید در حال تقویت شدن است به طور مثال، شاخص ها در کانادا کاهش شدید میزان ازدواج در چند دهه اخیر را نشان می دهند. در این کشور، میزان ازدواج زنان تا 50 سالگی، از بالای 95 درصد در سال 1965 به کم تر از 60 درصد در سال 2003 رسیده است. در مقابل، میزان ازدواج سفید در کانادا، رشدی 300 درصدی را نشان می دهد و از 15 درصد در اواخر دهه 1960 به نزدیک 50 درصد در سال 2000 رسیده است در قاره اقیانوسیه نیز ازدواج سفید رو به افزایش است؛ به طوری که در استرالیا از 16 درصد در سال 1975 به بیش از 70 درصد در سال 2007 رسیده است.

(Hewitt and De Vaus, 2009) این تغییرات، به امریکای شمالی و اقیانوسیه محدود نمانده و اروپا نیز روندهای مشابهی از آن را تجربه کرده است. هرچند ازدواج سفید در اروپا پدیده جدیدی نیست و قبل از انقلاب جنسی دهه 1960 نیز به علل گوناگون در برخی جوامع اروپایی یافت می شد، در آن زمان، عملی غیر قانونی، مشمول مجازات، و البته نادر بود. کیرنان در مقاله خود نشان می دهد که در دوره های اولیه پیدایش ازدواج سفید غالباً افراد فقیر، که توانایی ازدواج نداشتند، وارد این گونه روابط می شدند و مشکلات اقتصادی یکی از مهم ترین علل شکل گیری آن بود. عده ای دیگر نیز به سبب مشکلات بعد از جدایی یا مرگ شریک زندگی خود وارد این روابط می شدند. به طور مثال نیو هرترس از آلمان گزارش می دهد که بعد از جنگ جهانی دوم، در این کشور، زنان میان سال بعد از طلاق یا مرگ شریک زندگی خود، غالباً، ازدواج سفید را به ازدواج مجدد ترجیح می دادند؛ چون نمی خواستند حقوق دوران بیوگی آن ها، که دولت پرداخت می کرد، قطع شود، اما از دهه 1960 به بعد، در اروپا، این بار نه صرفاً افرادی با شرایط اجتماعی خاص بلکه گروه های متفاوتی از مردم به سمت این شکل از رابطه ها رفتند و، به تدریج، ازدواج سفید در میان بیش تر طبقات و گروه های اجتماعی رواج یافت. در این میان، فرایند تغییر نگرش به ازدواج و شیوع روزافزون ازدواج سفید پذیرش قانونی این روابط را نیز با خود به همراه آورد. به طور مثال امروزه در یازده کشور اروپایی از ازدواج سفید، به

³ - (commitment to live together)

⁴ - commitment to marriage

⁵ marriage age-



مثابهٔ یک رابطهٔ قانونی، حمایت می‌شود و در کشورهای دیگر این قاره نیز، هرچند این روابط قانونی نشده است، با آن برخوردی هم نمی‌شود؛ به طوری که در بسیاری از کشورهای اروپایی، زوج‌های هم‌خانه⁶ به موازات زوج‌های ازدواج کرده با هم زندگی می‌کنند و حتی صاحب فرزند می‌شوند. با این حال، تغییرات خانواده در سراسر اروپا به طور یکنواخت رخ نداده است، بلکه در سال اخیر، روند اشاعهٔ آن از شمال اروپا به سمت جنوب در حرکت بوده است (ارمکی و دیگران: ۱۳۹۱).

گسترش ازدواج سفید در اروپا، که در میانهٔ دههٔ ۱۹۶۰ آغاز شد، در مرحلهٔ اول در شمال این قاره و در کشور سوئد به وقوع پیوست و پس از مقبولیتی که در این کشور پیدا کرد، در مرحلهٔ دوم، گسترش بیش تری یافت و در دههٔ ۱۹۷۰ به کشورهای مرکز اروپا مانند فرانسه، اتریش، سوئیس، آلمان، هلند، و انگلستان اشاعه یافت. سپس، در مرحلهٔ سوم از حیات تاریخی خویش، در اوایل دههٔ ۱۹۸۰ به جنوب اروپا و کشورهایی چون ایتالیا، پرتغال، اسپانیا و یونان انتقال یافت (Loffler, 2009: 16).

به این ترتیب، ازدواج سفید در اروپا با درنوردیدن سرزمین‌های گوناگون، به تدریج، از رفتار انحرافی و ناپه‌نجان به رفتاری بهنجار و پیش پا افتاده تغییر معنا داد. در این بین، روند تاریخی و تدریجی اشاعهٔ ازدواج سفید در اروپا، سطوح متفاوتی از تأثیرات را نیز در این کشورها با خود به همراه داشته است؛ مثلاً ازدواج سفید در شمال و مرکز اروپا، به سبب تقدم تاریخی آن، رواج بسیار بیش تری در برابر جنوب اروپا دارد. این روابط، در مرکز و جنوب اروپا، از ۸۰ درصد در فرانسه تا ۱۰ درصد در ایتالیا در نوسان است (ارمکی و دیگران، همان: ۱۸).

این در حالی است که در کشور سوئد، در شمال اروپا، که پیش‌قراول ازدواج سفید در این قاره است، بیش تر جوانان، ازدواج سفید را به ازدواج ترجیح می‌دهند و به جوانان در سوئد، ازدواج سفید را به جای ازدواج انتخاب نمی‌کنند؛ آن‌جا فقط ازدواج سفید وجود دارد و به تعبیر تروست گسترش ازدواج سفید در کشورهای غربی، به مثابهٔ شکل جدیدی از خانواده، مهم ترین تغییر در الگوهای خانواده در ۵۰ سال اخیر بوده است.

(Nazio, 2008: 3). امروزه، در غرب، معمولاً از دو نوع عمدهٔ ازدواج سفید یاد می‌شود "ازدواج سفید پیش از ازدواج" و "ازدواج سفید بدون ازدواج" در الگوی اول، ازدواج سفید بیش تر مرحله‌ای مقدماتی و آزمایشی است برای رسیدن به ازدواجی بهتر (Murrow and Shi, 2010) اما، در الگوی دوم، ازدواج سفید اساساً؛ ازدواج را به حاشیه رانده و خود بر مسند آن نشسته است. ازدواج سفید پیش از ازدواج به "تأخیر" ازدواج‌ها انجامید و ازدواج سفید بدون ازدواج، به "انکار" آن از طرفی، در الگوی اول، ازدواج سفید‌ها کوتاه تر و، در الگوی دوم، طولانی تر است (Perelli-Harris et al., 2011). به همین سبب، ازدواج سفید پیش از ازدواج کم تر به فرزندآوری منتهی می‌شود به عکس، در الگوی ازدواج سفید بدون ازدواج، فرزندآوری به وفور یافت می‌شود. ازدواج سفید بدون ازدواج، که شکل تعمیق یافته و پیشرفتهٔ ازدواج سفید است، در کشورهای شمال اروپا مانند سوئد، دانمارک و همچنین بخش‌هایی از امریکای شمالی مانند کانادا رایج است. ازدواج سفید پیش از ازدواج نیز ویژگی بسیاری از کشورهای مرکز و جنوب اروپا و شکل غالب در ایالات متحدهٔ امریکا است؛ به طوری که امروزه بسیاری از ازدواج‌ها در امریکا ابتدا با ازدواج سفید آغاز می‌شود. البته، روند تغییرات در الگوهای موجود نیز نشان می‌دهد که با گسترش و پذیرش هرچه بیش تر ازدواج سفید در کشورهای مرکز و جنوب اروپا و همچنین ایالات متحده الگوهای ازدواج سفید پیش از ازدواج در این کشورها نیز به سرعت به سمت الگوهای ازدواج سفید بدون ازدواج در حال تغییر است؛ روندی از تشدید تغییرات، که در آینده، تأثیرات مهم و طولانی مدتی را در ساختار این جوامع خواهد گذاشت (ارمکی و دیگران، همان: ۱۹).

⁶ - (cohabiting couples)



ازدواج سفید از لحاظ فقهی و حقوقی در نظام حقوقی ایران

در این که با هم باشی ازدواج نیست، تردیدی نیست و در فرضی که با رضایت دو طرف همراه با قصد واقعی آنان بتوان با جاری کردن صیغه‌ی عقد در قالب نکاح دائم قرار داد در صورت عدم ثبت آن در دفاتر اسناد رسمی، قانونی نیست و مطابق ماده ی 64 قانون مجازات اسلامی برای زوج، مجازات تعزیری تا یک سال حبس، مقرر شده است و در ماده ی ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ثبت نکاح موقت در صورت باردارشدن زوجه یا توافق دو طرف در هنگام انعقاد نکاح موقت یا درج به صورت شرط ضمن عقد الزامی شده است. بنابراین اگر افرادی صرفاً به صورت توافق این نوع زندگی مشترک را انتخاب کنند، چنین توافقی برخلاف نظم عمومی، اخلاق حسنه و نامشروع است که از حیث ارتکاب عمل نامشروع و فعل حرام مطابق ماده ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات خواهند بود و فرزند حاصل از آن نامشروع تعریف می شود که از حقوق اجتماعی از جمله تحصیل و شناسنامه محروم خواهد بود و از والدین طبیعی خود ارثی نخواهند برد و همسرش مستحق دریافت نفقه نخواهد بود و نباید انتظار داشت قانون برای هر ناهنجاری، یک لباس قانونی ببوشاند و در این زمینه، خلا قانونی نداریم. از لحاظ قانونی ازدواج متعه پیش بینی شده است. از دیدگاه فقها مخصوصاً آیت الله مکارم شیرازی اصل بر این است که این ازدواج حکم زنا را دارد که هم خانه شدن بدون ازدواج رسمی، از نظر دینی هیچ فرقی با زنا ندارد. و به هیچ عنوان نمی توان خصیصه های ازدواج را در آن یافت. و با توجه به اینکه دروغ بستن بر دین گناهی بسیار سنگین تر از زنا است، به شدت توصیه می کنیم کسانی که مایل به این گناه هستند، هرگز در صدد توجیه آن بر نیایند و سعی کنند خود را از هموار کننده بودن مسیر این گناه کنار بکشند، تا در گناه دیگران نیز شریک نشوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳)

یک عامل مهم دیگری که نظام حقوقی ایران به آن توجه نموده، این است که با این شیوه قانون خانواده و شرایط حاکم بر آن دور زده میشود این مسأله برای افرادی که ازدواج کرده اند و سپس طلاق می گیرند اهمیت بیشتری دارد. در ساختار اغلب خانواده ها و براساس حقوق موجود، مرد رئیس خانواده است، هرچند از این جمله می توان برداشت های گوناگون کرد، ولی برخی از مردان با وضعیتی که در خانه ایجاد میکنند، به نوعی شیوه سلطه بر زن را برمی گزینند، و برخی از خانمها هم که نمی خواهند چنین سلطه‌های را پذیرا شوند، اقدام به طلاق میکنند، و پس از طلاق حاضر می شوند بدون رابطه حقوقی رسمی دائمی و فقط در قالب صیغه با یکدیگر و در زیر یک سقف زندگی کنند و تسلط مرد را نپذیرند طبیعی است که در این شرایط مرد قدرت ناشی از ریاست خانواده را در اختیار ندارد. پس «در ازدواجی که زن و مرد عمدتاً بدون هر گونه قیودات شرعی و ثبت قانونی تن به رابطه دهند این نوع رابطه نه شرعی، نه عرفی و نه قانونی به حساب می آید و اساساً نام ازدواج نمی توان بر آن نهاد و یک رابطه غیرشرعی است که قانون از آن و فرزند حاصل از آن هیچ حمایتی نمی کند. در چنین حالتی رابطه نسبی و سببی بین زن و مرد و فرزند حاصل از رابطه وجود ندارد و طبیعتاً فرزند شناسنامه ای بدون نام پدر و مادر خواهد داشت و نسب خود را تنها از خاندان مادری می گیرد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳)

در ماده ۲۱ قانون حمایت از خانواده از محوریت نکاح دائم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در جهت محوریت و استواری روابط خانوادگی یادشده و مورد حمایت قرار گرفته است، اما نکاح موقت را تابعی از موازین شرعی و مقررات قانون مدنی ذکر نموده و ثبت آن را در سه مورد؛ باردار شدن زوجه، توافق طرفین و شرط ضمن عقد الزامی دانسته است. این الزام متوجه زوج بوده و در خارج از موارد مزبور، ولو با تحقق ازدواج موقت- ثبت آن الزامی محسوب نخواهد شد. بنابر این تکالیف آن وقتی الزامی می شود که

یکی از موارد یاد شده بر آن مترتب باشد. اما در مورد خانواده سفید هیچ کدام از شرایط فوق تحقق پیدا نکرده یا در صورت پیدا کردن تحقق برخی از آنها نامشخص و مبهم است. چنین رابطه‌ای زنا تلقی می‌شود و فرزند ناشی از آن فاقد مشروعیت قانونی است، چون نسبت فرزندی او با پدر قابل اثبات نیست، بنابراین فرزندان متولد از ازدواج سفید یا خانواده‌های سفید از نظر حقوقی و نسبی در صورت عدم سرپرستی والدین نامشروع آنها، فاقد پشتوانه خواهند بود. در چنین مواردی اغلب زن به خاطر پرهیز از بی‌آبرویی به دنبال اثبات رابطه ابویت فرزند و والد نمی‌رود و حتی اگر ادعا کند که صیغه بوده است، در صورت انکار مرد، ادعای زن، به خاطر ثبت نبودن، قابل اثبات نیست. بارداری‌های ناخواسته و عوارض بهداشتی ناشی از سقط جنین غیرقانونی از تبعات دیگر ازدواج سپید است.

از نظر نسب و سبب‌های زوجیت و ولاء موجبات ارث هستند و هرگاه این عوامل بین اشخاصی ایجاد شود، اشخاص از یکدیگر ارث می‌برند. اشخاصی که به موجب نسب ارث می‌برند، عبارت از سه طبقه پدر، مادر، فرزندان و فرزندان فرزندان، اجداد، برادر، خواهر، فرزندان آنها و عموها، عمه‌ها، داییه‌ها، خاله‌ها و فرزندان آنها می‌باشند. حال در ازدواج‌های غیر رسمی وضعیت ارث فرزندان متولد شده از این روابط و همچنین وضعیت ارث بردن زوجین از همدیگر مشخص نیست و قانون باید وضعیت آن را روشن کند. در این میان در این شیوه فرزندان بی پدر و بی خانواده ای باقی می‌مانند که نه آن‌ها از والدین ارث می‌برند و نه والدین از آن‌ها. گرچه سایر حقوق این کودکان چون بقیه کودکان است، اما معمولاً کسی حضانت آنان را بر عهده نمی‌گیرد، مگر اینکه یک پروسه پیچیده قانونی طی شود. در این موارد سپردن حضانت به مادر محتمل تر است و زن چه از نظر روانی و چه از نظر حقوقی شکست خورده و بلا تکلیف باقی می‌ماند.

تفاوت نظام حقوقی ایران و غرب در مورد ازدواج سفید

در این نوع ازدواج در غرب فردی که خارج از قرارداد ازدواج والدینش به دنیا می‌آید از همه حقوق اجتماعی مثل دیگران برخوردار می‌شود. حتی برای بچه‌های زوج‌های همجنسگرا هم این حقوق یکسان است و هیچ تفاوتی وجود ندارد، هرچند باید گفت قوانین حقوقی همیشه هم به نفع این بچه‌ها نیستند. در حالیکه وقتی به ایران نگاه می‌کنیم می‌بینیم که همان بچه‌هایی که در چارچوب قانون هم به دنیا می‌آیند از حقوق اولیه شان محروم هستند و در چنین شرایطی فردی که فراتر از قانون جاری عمل می‌کند و با ازدواج سفید یک زندگی مشترک غیر رسمی را شروع می‌کند طبیعتاً تبعات گریزناپذیر و تلخی هم در انتظارش است. به جز اینکه بعد از اطلاع دستگاه قانونی دینی و جامعه سنتی، مجازات خواهد شد حتی اگر بچه‌ای هم به دنیا بیاورد و چه خواسته و چه ناخواسته نطفه‌ای تشکیل شود، دچار دردسرهای فراوان خواهد شد. (ارامکی و دیگران، همان: ۱۲)

از سویی دیگر باید گفت که در جمهوری اسلامی ایران، تنها ازدواج‌هایی به رسمیت شناخته می‌شوند که در دفاتر ازدواج ثبت شوند. (طاهری، ۱۳۸۴: ۳۵) در این نوع ازدواج‌ها تکالیف دو طرف مشخص است و هر اتفاقی که پس از ازدواج بیفتد قانون مسئولیت دو طرف را مشخص کرده است. همچنین در صورت بروز اختلاف یا موارد جرم با مراجعه به قانون می‌توان مسئله را پیگیری و حل کرد. اما در قانون جمهوری اسلامی به تبع دین اسلام، ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده و جرم محسوب می‌شود. طبیعتاً وقتی قانون اصل این ازدواج را جرم می‌داند هیچ‌گاه مسئولیت پیگیری تبعات آن را بر عهده نمی‌گیرد و با تبعات آن نیز همانند جرم برخورد می‌کند.

در جمهوری اسلامی ایران، تنها ازدواج هایی به رسمیت شناخته می شوند که در دفاتر ازدواج ثبت شوند. در این نوع ازدواج ها تکالیف دو طرف مشخص است و هر اتفاقی که پس از ازدواج بیفتد قانون مسئولیت دو طرف را مشخص کرده است. همچنین در صورت بروز اختلاف یا موارد جرم با مراجعه به قانون می توان مسئله را پیگیری و حل کرد. اما در قانون جمهوری اسلامی به تبع دین اسلام، ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده و جرم محسوب می شود. طبیعتاً وقتی قانون اصل این ازدواج را جرم می داند هیچ گاه مسئولیت پیگیری تبعات آن را بر عهده نمی گیرد و با تبعات آن نیز همانند جرم برخورد می کند.

نتیجه گیری

نخستین ازدواج ها با عنوان سپید در غرب و به خصوص فرانسه و آمریکا شکل گرفتند. در ازدواج سفید کشورهای غربی و برخی کشورهای دیگر، شرکای این زندگی، آدرس محل زندگی و مشخصات خود را به طور کامل به پلیس محلی اعلام کرده و مراتب در اداره پلیس ثبت می شود تا در صورت بروز اختلاف، فرزنددار شدن، جدا شدن و موارد مشابه، رفع تنازع شود. از نظر توافقات شیوه زندگی، همه چیز روشن بوده و هریک از آنان با درصد توافق شده، در این روش زندگی ایفای نقش می کنند. اگر توافق بر انشقاق و جدایی از یکدیگر کنند، اموال حاصله در مدت زندگی مشترک بین آنها تقسیم شده و هریک سهم خود را دریافت کرده و جدا می شوند، محاکم قضایی در صورت اطلاع پلیس محلی از این موضوع دعوی این افراد را پذیرفته و استماع می کند و زن به همان اندازه حق دارد که مرد دارای حق است. به عبارت دیگر در نظام حقوقی غرب ازدواج سفید وقوانین مربوط به این پدیده خانودگی مورد قبول محاکم قضایی و قانونی می باشد. ولی در نظام حقوقی و فقهی ایران این پدیده به دلیل عدم ثبت شرعی و عدم مسئولیت حقوقی و عدم مشروعیت فقهی این نوع رابطه و همچنین بارداری های ناخواسته و عوارض بهداشتی ناشی از سقط جنین غیرقانونی می باشد ازدواج سفید پیوندی به مدت زمان نامعلوم بین دو فرد برقرار می شود که فاقد مشروعیت اجتماعی و حقوقی است. این نوع ازدواج با ازدواج دائم و شرعی تعریف شده در حقوق ایران تفاوت های بسیاری دارد که اهم آن شرعی نبودن آن است

منابع و مأخذ

- ۱- فرض الله قلی زاده کلان، ازدواج پیوندی مقدس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی، محمدحسین شریفی ساعی، مریم ایثاری، و سحر طالبی (۱۳۹۱) (سنخ شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران "دوفصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی س ۲، ش ۲
- ۳- سید علی محمد یثربی قمی، حقوق خانواده در قانون مدنی، چاپ آزاد، انتشارات آزادی
- ۴- سرایی، حسن ، ۱۳۸۸، تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ش ۲
- ۵- سیدمهدی حسینی (بیرجندی) ۱۳۸۶، مشاوره در آستانه ازدواج، چاپ سوم. تهران، انتشارات قدس
- ۶- علی مشکینی، ازدواج در اسلام، تهران، چاپ مهر، ۱۳۷۹
- ۷- انتشارات در راه حق، ازدواج در اسلام، تهران، چاپ ۱۳۸۵.
- ۸- سید مصطفی محقق داماد، تحلیل فقهی حقوق خانواده، چاپ پنجم، تهران، زمستان ۱۳۸۴
- ۹- دکتر علی شریف، بررسی نفقه در حقوق ایران، چاپ اول، تهران انتشارات مهدی، سال ۷۴
- ۱۰- دکتر محسن شفائی، ۱۳۸۹ متعه و آثار حقوقی و اجتماعی آن، تهران ، چاپ نقش جهان،



- ۱۱- حبیب الله طاهری، نکاح منقطع ، جلد پنجم، قم، ۱۳۸۴.
 - ۱۲- دکتر کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، حقوق مدنی خانواده، جلد دوم، بازارچه کتاب،
 - ۱۳- پور فرهادی ، پریسا ، علل گسترش پدیده خانواده سفید در کلان شهر تهران در سال ۹۳-۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد گرایش حقوق جزا
 - ۱۴- قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۹۲
 - ۱۵- قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۹۱
- منابع لاتین

Blossfeld, H. P. and A. Timm (eds.) (2003). *Who Marries Whom? Educational Systems as Marriage Markets in Modern Societies*, Dordrecht: Kluwer Academic.

Goodwin, P. Y., W. D. Mosher, and A. Chandra (2010). 'Marriage and Cohabitation in the United States: A Statistical Portrait Based on Cycle 6 (2002) of the National Survey of Family Pla, A. and C. Beaumel (2010). 'Bilan démographique 2009: Deux Pacs Pour Trois Mariages', Insee Première, No. 1276.

Levi Martin, J. (1996). 'Structuring the Sexual Revolution', *Theory and Society*, Vol. 25, No. 1.

Nazio, T. (2008). *Cohabitation, Family & Society*, London: Routledge.

Regnerus, M. and J. Uecker (2011). *Premarital Sex in America: How Young Americans Meet, Mate and Think About Marrying*, Oxford: Oxford University Press.

Perelli-Harris, B., W. Sigle-Rushton, M. Kreyenfeld, T. Lapp egård, R. Keizer, and C. Bergham (2011). 'The Educational Gradient of Childbearing Within Cohabitation in Europe', *Population and Development Review*, Vol. 36, No. 4.